

بحثی در باره فلسفه احکام

بحث زیر را - همانطور که نویسنده محترم مقاله نیز پیشنهاد نموده اند بعنوان یک نظر علمی طرح کرده و از سایر دانشمندان و صاحب نظران نیز دعوت میکنیم که نظر خود را در این مسئله برای درج در مجله ارسال دارند، و در پایان نظر خود را نیز بیان خواهیم نمود. «مکتب اسلام»

چند روز پیش یکی از دانشجویان در کلاس بمناسبتی پرسید که فلسفه مسح در وضو چیست؟ و این عمل که یکی از اجزای وضوست چه نتیجه و سودی دارد؟

از اینگونه پرسشها از جانب دانشجویان و جوانان پزوهنده حقایق زیاد پیش می آید انگیزه پرسش-کنندگان متفاوت است، برخی فقط از راه کنجکاوی و برای رفع اشکال ازین نوع پرسشها مطرح میکنند و بعضی دیگر در نتیجه القای شبهات و پاشیدن تخم فساد و نفاق در دامن جمعی ساده دل از جانب گروهی مغرض، بطرح چنین سئوالاتی بهادرت می ورزند.

غرض دسته اول پی بردن بحقیقت و محکم کردن مبانی اعتقادات و ایمان میباشد در حالی که هدف دسته دوم ادامه اینگونه پرسشهاست تا بدانجا که طرف مورد سؤال از پاسخ عاجز شود و بهانه و مستمسکی بدست سؤال کننده بیفتد تا طرفداران دین و خدا پرستی را بکوبد و مبانی مادیگری را استوار سازد!

سؤال دانشجو مرا متوجه یکی از مسائل مهمی کرد که از چندی باین طرف در میان گروهی از علاقه مندان به مذهب، و گسترش آن، و سخنرانان و نویسندگان دینی، رواج یافته است و چون در باره این موضوع چنانکه باید و شاید بحث و تحلیل بعمل نیامده، و از اهل فن و خبره مصلحت اندیشی نشده است دور نیست که از عمل این عده، بجای سود، زیانهای جبران ناپذیر متوجه معتقدات دینی مردم گردد و جمعی که حسن نیت دارند و بگمان خود در راه تحکیم مبانی دینی و ترویج و تبلیغ آن گام بر می دارند، ناآگاهانه موجب سستی و ضعف عقاید مسلمانان و خشنودی و تقویت مخالفان گردند.

این موضوع مهم، همان بیان فلسفه و علت احکام دین جهانی اسلام و گاهی تطبیق پاره ای از آیات قرآن کریم به علوم و کشفیات قرون اخیر است.

پاسخ دانشجو را تا آن اندازه که خود وی قانع شد، و اگر از جانب شخص مغرضی بوی القاء

شده بود مهبای پاسخ گردید ، در سر کلاس باختصار بیان کردم ولی چون بعقیده نویسنده ، موضوع مهمتر از آن است که با آن گفته مختصر و یا بایک مقاله بسنده شود ، از اینرو آنچه بنظرم میرسد ، بعنوان مدخل و افتتاح این بحث باختصار مینویسم ، و از هیئت تحریریه دانشمند مجله وزین و سودمند مکتب اسلام ، که بر استی سیر تکامل خود را می پیماید و از صدها خلاء دینی و معنوی که در اجتماع امروزی وجود دارد یک جارا بحق پر کرده است ، خواهش میکنم که اگر بعقیده آنان نیز این موضوع درخور بحث و تحقیق بیشتر است ، صفحاتی چند در مجله اختصاص باین موضوع دهند و از اهل نظر و تحقیق بخواهند که آراء و نظریات خود را بنویسند و حقیقت را روشن کنند ، تا گروهی از راه بی اطلاعی و ساده دلی موجب سستی عقاید مردم و تضعیف مبانی ایمان آنها نشوند .

آیا بیان علل احکام و شرایع لازم
و سودمند است یا زیان آور ؟
شاید کسانی باشند که گمان کنند از راه بیان علت
و فلسفه احکام ، یعنی علت و فلسفه ای که بنظر
آنان رسیده است ، هم چنین از راه تطبیق آیات

قرآن با علوم و صنایع و کشفیات دانشمندان غرب ، خدمت بزرگی بدین و پیروان دین کرده اند
و موجب تقویت مبانی دین و ایمان شده اند ولی بعقیده اینجانب که مستند بتجربهای زیاد و ادله
فراوانی است و برخی از آنها در همین گفتار آورده میشود :

التزام به بیان فلسفه و علت برای همگی ، عبادات و احکام و سایر شؤون دینی و تطبیق
پاره ای از آیات قرآن کریم با علوم قدیم یا جدید نه اینکه دارای سود و مصلحت است ، بلکه از نظر
کلی و اصولی زیانهای بسیاری متوجه دین و پیروان دین میکند و گاهی دلیلی بدست مخالفان
میدهد .

ادله خود را بطور خلاصه بیان میکنم و اگر چه عنوان موضوع کلیت دارد و شامل همه ادیان
میشود لکن چون پس از ظاهر شدن دین جهانی اسلام که آخرین ادیان است دیگر بحث از سایر
ادیان بی فایده است از این جهت در ذکر دلیل توجه و نظر بدین اسلام است ، اینک بیان ادله با استدلالی
روشن :

۱- اگر بیان فلسفه و علل احکام ضروری بود بیقین خود آورنده دین مقدس اسلام که
از هر کس بفلسفه و علت احکام و قوانین دینی و دنیایی آن داناتر بود ، و در دوران رسالت همه آنچه
مایه رستگاری مردم بود با آن ابلاغ فرمود ، بیقین به بیان فلسفه و علت احکام که موضوعی بسیار
مهم و مشکل است نیز میپرداخت ، نه اینکه بیان آنها را به پیروان خود که از درک و فهم آنها عاجزند
و اگذار کنند . اگر کسی ادعا کند که پیغمبر اسلام (ص) بیان فلسفه احکام را بدانشمندان دینی
و اگذار کرده است ، در حقیقت به پیغمبر اسلام بطور ضمنی نسبت بیعدالتی و بی انصافی داده است ،
زیرا با نان تکلیف مالایطاق تحمیل کرده است و مقام شامخ پیغمبر اسلام و همه پیغمبران از اینگونه

نسبت‌های ناروا منزّه است .

۲- اصولاً پیروان ادیان نباید و نمیتوانند بفلسفه و علت احکام و قوانین دینی پی ببرند، زیرا اگر دارای آن رشد و کمال عقلی باشند که همچون انسان کاملی علت و فلسفه دقیق احکام و دستورات خدایی را بفهمنند، دیگر نیازی به پیامبر ندارند زیرا فهم و ادراک آنان در حد فهم و شعور پیغمبران است .

آنچه بر جویندهٔ دین کامل و جامع و پویاندهٔ راه حق و حقیقت لازم است آن است که با اندازه توانایی و طاقت در جستجوی راه راست و دین و آیین درست کوشا و پویا باشد، و چون از راه دلیل و یقین بمقصود رسید و پیغمبر راست گفتار و راست کردار را شناخت و با احکام و دستورات خدایی او آگاه شد، دیگر بیچون و چرا باید به همهٔ دستورها و شرع او که از جانب خدا آمده است ایمان آورد و بدانها عمل کند (۱) و برای انجام دادن هر حکم و دستوری فلسفه و علت آن را نپرسد زیرا درک آنها برای پیرو و گروندهٔ دین، فوق فهم و شعور وی میباشد، چنانکه وظیفهٔ مریض پیدا - کردن طبیب حاذق و داناست، پس از آنکه بوی دست یافت و از او نسخه و دستور معالجه گرفت دیگر حق ندارد از وی فلسفهٔ کیفیت معالجه و عات داروهای مخصوص را بپرسد زیرا اگر مریض دارای آن ادراک و فهم باشد نیازی به پزشک ندارد .

از نظر روانی و اعتقادی نیز شاید صلاح عموم مردم آن باشد که فلسفه و علت واقعی عبادات را ندانند، بلکه فقط از راه تصدیق گفتهٔ پیغمبر راست گفتار با آثار و ثمرات سودمند روحانی و جهانی دنیوی و اخروی آنها ایمان داشته باشند. در این صورت باشوقی فراوان تر و عقیده و ایمانی استوار تر با انجام دادن آنها میپردازند و پس از هر عبادت برای آنان صفا و روشنی باطن و دل پیدا میشود . ممکن است اگر بعلمت و فلسفهٔ عبادات و احکام پی ببرند، دیگر آن صفا و خلوص از میان برود و از راه و سوسهٔ نفسانی و خودخواهی گمان کنند که انجام دادن عبادات و احکام بنحوی که معین شده است ضرورت ندارد بلکه هر عمل و عبادتی که همان خاصیت و نتیجه را داشته باشد میتواند جای اعمال و عبادات منصوص دینی را بگیرد !

۳- کسانی که عقیده دارند باید فلسفهٔ احکام بیان شود شاید در پاره‌ای از موارد بتوانند دلائل و عللی ذکر کنند که تا اندازه‌ای قانع کننده باشد، ولی بطور قطع نمیتوانند در تمام موارد و برای تمام اجزا و ارکان یک دستور و حکم دینی فلسفه و علت بیان کنند، و چون خود را ملزم باین کار کرده اند، در نتیجه، هم خود آنان ممکن است در معتقدات خود سست شوند، و هم کسانی که از آنها اینگونه پرسشها میکنند .

برای روشن شدن مطلب همان حکم و وضو را که موجب نگارش این مقاله شده است، اندکی

(۱) ... و ما یعلم تأویلہ الا اللہ ، و الراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا

سوره آل عمران - آیه ۷

گسترش میدهیم :

کسانی که عقیده دارند باید علل احکام و عبادات بیان شود، میتوانند برای علت و ضومثلاً پاکیزگی و بهداشت را ذکر کنند و گفته پیغمبر اکرم (ص): «النظافة من الایمان» رانیز شاهد مدعای خود آورند

ولی موضوع بهمینجا ختم نمیشود و آن کس که خود را بفهم و بیان فلسفه احکام ملزم میدانند باید جوابهای پرسشهای دیگر را نیز در این موضوع بدهد از قبیل :

چرا وضو برای نماز واجب است؟ چرا غسلهای مستحب که از نظر علت اقوی از وضو میباشد

برای نماز جای وضو را نمیگیرند؟ چرا خواب و بیهوشی و سایر مبطلات وضو، موجب شکستن وضو میشود؟ چرا شستن دستها در وضو لازم است ولی شستن پاها لازم نیست؟ فایده مسح سر و پا چیست؟ دلیل ترتیب و توالی در اجزای وضو چیست؟ حدودی که برای شستن دستها و چهره معین شده است چه دلیل دارد؟ ... ؟ ... ؟

هم چنین درباره حج و نماز و روزه و سایر عبادات اگر یک یا چند علت ذکر شود که بظاهر چندان دور بنظر نیاید ولی دامنه سؤال بجاهائی کشیده میشود که هیچکس راجز شارع مقدس، آن هم بوحی و الهام از جانب خدا، (اگر مشیت خداوند بر آگاهی پیغمبر تعلق گرفته باشد) توانایی درک و فهم آنها نیست! فی المثل درباره نماز، اگر یک یا چند دلیل قابل قبول ذکر شود ولی بیقین بیشتر سؤالات درباره فلسفه و علت کیفیت و ترتیب و کمیت آنها بی جواب می ماند .

فرض کنیم جواب همه سؤالات داده شود و فلسفه و علت روشن گردد، باز نتیجه بسیار زیان آور و بقول اهل منطق و اصول «تالی فاسد بزرگی» بر آن مترتب میشود که قابل جبران نیست و آن تعمیم و گسترش علت است، در هر امری که اثر مزبور را بدست آورد، بعبارت ساده تر و قتیکه فلسفه و علت نماز و روزه و حج و سایر عبادات و احکام مثلاً امور بهداشتی و پاکیزگی و تحصیل سلامت بدن و بهبود وضع اجتماع و نظایر اینها یا امور معنوی و اخروی و صفای روح و اندیشه، بیان شود، کسانی که بگمان خود از فلسفه عبادات و احکام آگاه شده اند دیگر خود را ملزم بانجام دادن اعمال و عبادات مخصوص، موافق دستور دینی، نمیدانند، بلکه از نظر فلسفی و اجتهاد نادرست استدلال خواهند کرد که هر چه از نظر نتیجه و اثر دارای همان نتیجه و فایده باشد میتواند جای آنها را بگیرد .

بنابراین فی المثل چون با شست و شو بوسیله آبهای پاکیزه لوله و گرمابه که امر و زدر دسترس همگان قرار دارد، و با وسایل بهداشتی و حرکات نرم و ورزشی میتوان همان نتیجه را که از وضو و نماز و روزه بدست می آید تحصیل کنیم یا کارهایی انجام دهیم که موجب صفای باطن و پاکیزگی روح و توجه بمبدء اعلی پیدا شود، دیگر لازم نیست که خود را مقید باعمال مخصوصی کنیم ! !

(بقیه دارد)